

بخش ویژه

مشارکت شهری



موضوع مشارکت، به ویژه شکل سازمان یافته آن در قالب نهادهای غیردولتی، طی سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مورد بحث صاحب‌نظران اجتماعی و شهری مبدل شده است. به هر حال این سؤال که تأمین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر تا چه حد در رفع نارسایی‌های برنامه‌ریزی و معضلات موجود شهر مؤثر خواهد بود، پرسشی است که توجه را به جایگاه واقعی بحث مشارکت، و نیز جلوگیری از غفلتی که نسبت به دیگر عوامل تأثیرگذار وجود دارد، جلب می‌کند.

به هر حال جایگاه این بحث در ایران، هم متأثر از شرایط داخلی است و هم از شرایط جهانی تأثیر می‌پذیرد. از بُعد داخلی، زمینه این بحث پس از انتخابات شوراهای اسلامی شهرهای کشور و تشکیل نهاد منتخب مردم در مدیریت شهری فراهم شد.

شوراهای شهر بحران مشارکت و حضور نداشتن شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری را یکی از معضلات عمده مدیریت شهری برشمرده و تلاش‌های گوناگونی را به منظور افزایش این مشارکت سازمان‌دهی کرده‌اند. از جمله اینکه شورای شهر تهران به منظور جبران خلأ موجود، تصمیم گرفت با برگزاری کنگره منشور تهران «گامی در جهت تدوین راهبردهای توسعه شهر با مشارکت نمایندگان مردم و کارشناسان علوم شهری

فعالیت سازمان‌های غیردولتی در زندگی شهری ایران

اعظم خاتم

فصلنامه مدیریت شهری / شماره ۵ / بهار ۱۳۸۰



بردارد) و از خلاء موجود بکااهد (پیام شورای اسلامی شهر تهران به کنگره تدوین منشور تهران). زمینه دیگری که بحث و فعالیت برای تقویت مشارکت شهروندان در حل معضلات شهری و اجتماعی را ترغیب کرده، فشار مستقیم و غیرمستقیم دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در مجامع جهانی برای حضور و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در حیات اجتماعی کشورهای در حال توسعه - از جمله ایران - بوده است. انتقال تجارب کشورهای دیگر در استفاده از سازماندهی مردمی برای حل مشکلات و نقش مؤثر سازمان‌های غیردولتی در تأمین زیرساخت‌ها و خدمات شهری نیز توجه دولت‌ها را به نقش یاری دهنده این سازمان‌ها جلب کرده است. کاهش نقش دولت در زندگی اجتماعی - اقتصادی شهرها و واگذاری بخشی از وظایف و مسئولیت‌های آن به بخش خصوصی و سازمان‌های مردمی، برای طرفداران گسترش بازار آزاد نویدبخش راه‌حلی عملی برای کاهش هزینه‌های دولتی و کاستن از مداخله ناکارآمد دستگاه‌های متمرکز دولتی در سازوکار (مکانیسم)‌های خودپوی عرضه تسهیلات بود؛ و در عین حال راهی برای جبران خلاء و ناتوانی سازوکار بازار در تأمین نیازهای اساسی برای همه جمعیت محسوب می‌شد.

به این ترتیب، همزمانی روندهای گسترش دموکراسی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها با روند آزادسازی اقتصادی و کاهش نقش دولت، نیرویی دوجانبه را برای تقویت جامعه مدنی و تشکیل سازمان‌های غیردولتی فراهم آورد. اما باید توجه داشت که ارزیابی‌های کلان و جهانی نمی‌توانند تجزیه و تحلیل روشن و قاطعی از وجوه مثبت و منفی فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کشوری مشخص به دست دهند، چه این روند تحولات را از دید دیوید هاروی تغییر مدیریت گرایي ملازم با دولت رفاه به سمت کارفرماگرایی بنامیم، و چه به تعبیر دیگری آن را تغییر حکومت از نهادی تأمین‌کننده به نهادی تواناساز محسوب کنیم (داوودی، ۱۹۸۸). این مقاله کوششی است برای ارائه تحلیلی از شرایط رشد سازمان‌های غیردولتی در ایران، به ویژه در حوزه زندگی شهری، با توجه به ساختارهایی که رابطه دولت و مردم را در حوزه شهر تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۱- پیدایش سازمان‌های غیردولتی مدرن و تقویت نهادهای سنتی

بررسی سازمان‌های غیردولتی در ایران، حاکی از تنوع هرچند محدود در نوع سازمان‌یابی، عرصه فعالیت و سابقه شکل‌گیری آنهاست.

در سال‌های اخیر انجمن‌ها و نهادهایی عمدتاً متشکل از گروه‌های تحصیل کرده و روشنفکر برای فعالیت تخصصی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده‌اند که در کنار انجمن‌های حرفه‌ای و صنفی، که سابقه تشکیل و فعالیت آنها به چند دهه قبل باز می‌گردد و همچنین اشکال سنتی‌تر فعالیت غیردولتی (خیریه)، نیروی جوان و تازه‌نفس محسوب می‌شوند.

شاید بتوان گروه اول سازمان‌های غیردولتی را در ایران، نهادهایی همچون بنیاد کهربزک و بنیاد زینب کبری دانست که انگیزه و نوع فعالیت آنها مقبولیت فرهنگی - اجتماعی دیرینه‌ای دارد که در قالب حمایت از سالمندان و کودکان بی‌سرپرست رخ می‌نماید. نهضت خیریه در مدرسه‌سازی ایران سابقه‌ای طولانی دارد و هنوز هم کمک مردم برای تأمین فضای آموزشی و درمانی در بسیاری از مناطق محروم و کم درآمد، به رغم انتظار عمومی از دولت و وزارتخانه‌های ذی‌ربط در تأمین این گونه خدمات، امری رایج است (در بررسی سابقه مشارکت‌های مردم در پروژه‌های توانمندسازی، از جمله در مرحله ولیعصر جنوبی در تهران، به برخی از این موارد اشاره شده است). فعالیت‌های خیریه‌ای عموماً خصلتی محلی دارد و کمتر به صورت سازماندهی فرامحلی درآمد است؛ از جمله به عنوان مثال، بنیاد کهربزک عمدتاً در تهران فعال است و بنیاد زینب کبری نیز در تهران و مشهد، اشکال متفاوتی از این نوع مشارکت

اجتماعی از گذشته در شهرهای ایران وجود داشته است که به عنوان نمونه می‌توان به سنت وقف دارایی به وسیله اعیان محل برای فعالیت‌های خیر، یا توجه به تأمین نیازهای مستمندان و تهیدستان محله در مراسم و مناسک عمومی (از جمله مراسم گل‌ریزان در زورخانه‌ها) اشاره کرد. در سال‌های پس از انقلاب نیز شکل‌های دیگری از فعالیت خیریه‌ای و یاری‌رسانی مالی وجود داشته است؛ از جمله تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه که گاه به دست بازاریان و افراد متمکن تشکیل شده و گاه حالت یاری‌رسانی در درون خانواده‌های بزرگ داشته است. سازماندهی زنان برای فعالیت‌های داوطلبانه نیز در این سال‌ها رشد و گسترش یافته است.

در جامعه‌ای نظیر ایران که از نظر اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی، جامعه‌ای به شدت دولت‌محور بوده است، شکل‌گیری فعالیت غیردولتی در حوزه‌های غیرسنتی (خیریه و فعالیت‌های حمایتی) می‌تواند هم از باب ضرورت و هم از وجه توان مقاومت در برابر اقتدار دولت مورد تردید قرار گیرد. در دهه‌های اخیر در ایران، با توجه به درآمد سرشار نفت، دولت ضمن ایجاد زیرساخت‌های توسعه اقتصادی، تأمین نیازهای حیاتی جمعیت و خدمات اجتماعی را نیز برعهده داشته است. دولت به منظور تأمین نیازهای اساسی از جمله غذا، بهداشت، آموزش و مسکن در قالب برنامه‌ریزی توسعه به دخالت در عرضه و نظارت بر بازار پرداخته و تأمین نیازهای گروه‌های جامانده از بازار را به عنوان جزئی از عملکرد رفاهی و اجتماعی خود محسوب کرده است.

این عملکرد در دهه اخیر نیز به رغم اقبال بیشتر به سازوکارهای بازار در عرضه خدمات و مسکن، اهمیت خود را حفظ کرده است. نتیجه این وضعیت آن است که در ایران، برخلاف برخی از کشورهای خاورمیانه که فاقد حکومت‌های مقتدرند (نظیر لبنان)، یا کشورهای بی‌نقش اجتماعی دولت با روی آوردن بی‌قید و شرط به سیاست‌های جهانی بازار آزاد رو به زوال رفته است (نظیر مصر)، گسترش شتابان سازمان‌های غیردولتی در دو دهه اخیر به چشم نمی‌خورد. البته با توجه به نقش سازمان‌های بین‌المللی در رشد نهاد غیردولتی، انزوای سیاسی نیز در شکل‌گیری این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است.

اما در این سال‌ها زمینه رشد سازمان‌های غیردولتی در ایران به نحو دیگری فراهم شده است. در واقع انبساط سیاسی جامعه و گسترش فضای گفت‌وگو، زمینه شکل‌گیری سازمان‌های تخصصی و صنفی را که می‌خواهند نقشی فعال در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها داشته باشند، فراهم ساخته است.

**ارزیابی‌های کلان و جهانی
نمی‌توانند تجزیه و تحلیل روشن
وقاطعی از وجوه مثبت و منفی
فعالیت سازمان‌های غیردولتی در
کشوری مشخص به دست دهند**

**در جامعه‌ای نظیر ایران که به شدت
دولت‌محور بوده است، شکل‌گیری
فعالیت غیردولتی در حوزه‌های
غیرسنتی می‌تواند هم از باب
ضرورت و هم از وجه توان مقاومت
در برابر اقتدار دولت مورد تردید
قرار گیرد**

۲- سازمان‌های غیردولتی توسعه‌ای و ارائه‌کننده

خدمات

همان‌طور که اشاره شد، در دو دهه اخیر تجربه گسترش فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کشورهای در حال توسعه، بیشتر در عرصه تأمین نیازهای جمعیت شهری بوده که زمینه آن را نیز عقب‌نشینی دولت‌ها از مسئولیت‌های اجتماعی‌شان مهیا ساخته است: «براساس تخمینی، در سال ۱۹۹۰ حدود پنج میلیون نفر تهیدست مصری از خدمات بهداشتی، آموزشی، مالی و محله‌ای سازمان‌های داوطلبانه خصوصی مصر بهره‌مند شده‌اند» (بیات، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱). در پاکستان، در شهری چون کراچی با جمعیت ۱۱ میلیون، حدود نیمی از جمعیت کلانشهر در مناطق و شهرک‌هایی به سر می‌برند که به صورت غیررسمی توسعه یافته و از خدمات شهری محروم است. این جمعیت وسیع برای تأمین بسیاری از خدمات موردنیاز، به سازمان‌های غیردولتی متکی است. یکی از نمونه‌های آن فعالیت سازمان Orangy Pilot (Project) OPP در بزرگ‌ترین حاشیه‌نشینی کراچی به نام اورنگی است (زیدی، ۲۰۰۰). «گسترش فزاینده تعداد سازمان‌های غیردولتی در دنیای عرب (برای نمونه وجود ۲۸۰۰۰ سازمان غیردولتی در مصر) در سال‌های اخیر، نشان از واقعیتهای چندوجهی دارد: اول ناتوانی دولت در پاسخگویی به نیازهای جمعیت، دوم افزایش جمعیت تحصیل‌کرده که پذیرای کار داوطلبانه است، و سوم پذیرش نقش یاری‌دهنده

گسترش فزاینده تعداد سازمان‌های غیردولتی نشان از واقعیتهای چندوجهی دارد: اول ناتوانی دولت در پاسخگویی به نیازهای جمعیت، دوم افزایش جمعیت تحصیل‌کرده که پذیرای کار داوطلبانه است، و سوم پذیرش نقش یاری‌دهنده سازمان‌های غیردولتی به وسیله حکومت

سازمان‌های غیردولتی به وسیله حکومت» (نادیا آل علی ۱۳۸۰).

سازمان‌های غیردولتی توسعه‌ای و ارائه‌دهنده خدمات گاه با مردم کار می‌کنند و گاه برای مردم یا برخی از آنها مستقیماً خدماتی را ارائه می‌کنند و برخی دیگر با اتخاذ روش‌های توانمندسازی، به سازماندهی و انتقال امکانات و آگاهی به مردم می‌پردازند. آنها که کاملاً به منابع خارجی وابسته‌اند، بیش از سازمان‌هایی که بر بسیج مردم و جلب منابع محلی تکیه می‌کنند، در معرض تبدیل شدن به سازمان‌های خیریه‌ای و ایجاد وابستگی در مردم و از میان بردن ابتکارات محلی قرار دارند. به هر حال در بسیاری از موارد، فعالیت این سازمان‌ها با توجه به نقشی که اینها در ایجاد اتکاء به نفس در جامعه محلی دارند و موجب تغییرات فرهنگی و سیاسی می‌شوند، دولت‌ها را به رقابت و تجدیدنظر در سیاست‌ها به منظور حفظ پایگاه اجتماعی خود می‌کشاند. از این رو اینها صرفنظر از نقش مستقیم‌شان در کاهش فقر، در دموکراتیزه شدن جامعه و تأمین حقوق شهروندی مردم نیز مؤثرند.

در ایران این نوع فعالیت با توجه به عملکرد اجتماعی دولت و نقش آن در تأمین نیازهای اساسی شهرنشینان، توسعه چندانی نیافته است. هر چند که در برخی زمینه‌ها، از جمله در برخی از طرح‌های بهسازی و توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهری، کوشش‌هایی برای جذب منابع غیردولتی به صورت سازمان یافته شروع شده است و در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز مشارکت‌هایی از جانب سازمان‌های غیردولتی با شهرداری‌ها آغاز گشته است. گفتنی است که با تقویت مدیریت‌های محلی (شهرداری‌ها) در ایران در سال‌های اخیر، و گسترش حوزه فعالیت آنها، زمینه تقویت فعالیت بخش عمومی (و نه دولتی) در خدمات شهری فراهم آمده که خود زمینه‌ساز فعالیت بیشتر سازمان‌های غیردولتی در این عرصه است.

۳- سازمان‌های غیردولتی تخصصی

سازمان‌های غیردولتی برحسب نقش و عملکردشان در طبقه‌بندی‌های متفاوتی جای می‌گیرند اما در همه این طبقه‌بندی‌ها، گروهی از سازمان‌های غیردولتی که مستقل از افراد تحصیل‌کرده و علاقه‌مند و متخصص در حوزه خاصی از مسائل اجتماعی هستند، به عنوان سازمان‌های تخصصی وجود دارد. فعالیت این سازمان‌ها عمدتاً ترویج (Advocacy) و چانه‌زنی (Lobbying) است. تجربه گسترش این نوع از سازمان‌های غیردولتی، اهمیت

پیش شرط دموکراسی از آن رو برای گسترش سازمان‌های غیردولتی تخصصی حیاتی است که عملکرد این سازمان‌ها معطوف به تغییر روند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی فن سالار و دیوان سالارانه است. از سوی دیگر جذب توان تخصصی موردنیاز این سازمان‌ها نیز منوط به استقرار آزادی و تأمین امنیت اجتماعی به گونه‌ای است که افراد تحصیل کرده و روشنفکر بتوانند به فعالان جامعه مدنی مبدل شوند

فرایند دموکراسی را برای جلب مشارکت اجتماعی به خوبی نشان می‌دهد: «در روسیه در نیمه دهه هشتاد و پس از اصلاحاتی که پرسترویکا نام گرفت، روند فعالیت سازمان‌های غیردولتی آغاز شد. این سازمان‌ها در ابتدا حتی به صورت قانونی ثبت نشده بودند، زیرا چارچوب قانونی لازم فراهم نیامده بود» (نینابلیوا ۱۳۸۰). در افریقای جنوبی با روی کار آمدن حکومت ضد آپارتاید و طرفدار دموکراسی در سال ۱۹۹۴، ضمن آنکه با تدوین قانون اساسی جدید، حکومت وظایف بیشتری را در قبال تأمین نیازهای اساسی جمعیت پذیرفت، زمینه مشارکت مردم نیز در برنامه‌ریزی‌ها، از طریق سازمان‌های غیردولتی که متخصصان و فعالان نهضت ضد آپارتاید در آنها فعال بودند، در سطوح محلی فراهم شد (ماتاتاوا ۱۳۸۰).

پیش شرط دموکراسی از آن رو برای گسترش سازمان‌های غیردولتی تخصصی حیاتی است که عملکرد این سازمان‌ها معطوف به تغییر روند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی فن سالار و دیوان سالارانه است. از سوی دیگر جذب توان تخصصی موردنیاز این سازمان‌ها نیز منوط به استقرار آزادی و تأمین امنیت اجتماعی به گونه‌ای است که افراد تحصیل کرده و روشنفکر بتوانند به فعالان جامعه مدنی مبدل شوند.

پیش‌تر اشاره کردیم که در ایران زمینه فعالیت سازمان‌های غیردولتی جدید با گسترده‌تر شدن فضای اجتماعی فراهم آمد و در نتیجه آن دسته از نهادها و سازمان‌های تخصصی که خود را یاور و درعین حال منتقد دولت می‌دانستند، به وجود آمدند. ایجاد بیش از ۲۰۰ سازمان فعال در امور محیط زیست، ۶۷ سازمان تخصصی بهداشتی و ۱۳۷ سازمان فعال در امور زنان (نمازی ۱۳۷۹) جلوه‌ای از گسترش کمی سازمان‌های تخصصی غیردولتی در ایران است. این فعالیت‌ها با توجه به سابقه محدود مشارکت مدنی در ایران، نشانه‌هایی از آغاز نوعی

روند است (محسنی، ۱۳۷۴). به رغم این فعالیت، نهادهای غیردولتی تازه تأسیس در ایران عمدتاً معطوف به حوزه‌های پر تعارض و دارای قدرت بسیج بالا - نظیر مسئله زنان، حقوق کودکان و روزنامه‌نگاران، محیط زیست و مانند اینها - است. در بسیاری از عرصه‌ها هنوز نهاد تخصصی توانمندی تشکیل نشده است، از جمله اینکه مثلاً در حوزه مسائل شهری تنها انجمن‌های صنفی شهرسازان با نگرش‌هایی تداfeعی و صنف‌گرا فعالیت می‌کنند. در برخی حوزه‌ها نظیر مبارزه با اعتیاد، تنظیم خانواده و برخی دیگر که نهادهای جدیدی در آنها تشکیل شده، با وجود آنکه فعالان و بنیان‌گذاران آنها از رأس هرم قدرت برآمده‌اند، لکن فعالیت چندان در خور توجهی شکل نگرفته است و شیوه‌های مدیریت و سازمان‌یابی آنها می‌تواند بر جذب نیروهای مستقل از ساختار دولت تأثیر بگذارد. با توجه به نکات پیش گفته و همچنین نقش دولت در حیات اجتماعی ما، و نیز با در نظرگیری نظام دیوان سالار حاکم بر فعالیت دولت در ایران، گسترش سازمان‌های غیردولتی تخصصی‌ای که بتوانند در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها حضور یابند، هم ممکن است و هم ضروری. مهم‌ترین مسئله‌ای که باید در این عرصه مدنظر قرار گیرد، فراهم شدن توان تخصصی لازم برای این نهادها از طریق جذب بخشی از بدنه کارشناسی موجود است که باید به فعالیت داوطلبانه و غیردولتی رغبت نشان دهد؛ و از سوی دیگر ایجاد فضای آزادی است که گردش اطلاعات و تحلیل‌های



تجربه شکل‌گیری سازمان‌های متکی بر اجتماعات در کشورهای دیگر نیز حاکی از تأخر شکل‌گیری این سازمان‌ها نسبت به سازمان‌های غیردولتی فرامحلی است، ضمن آنکه سازمان‌های غیردولتی فرامحلی نقش عمده‌ای در حمایت و هدایت سازمان‌های محلی دارند

کارشناسی را در جامعه، بی‌واهمه از تلاش‌هایی که در هر تصمیم‌گیری اقتصادی و پروژه عمرانی و سیاست‌گذاری اجتماعی به دنبال حفظ اسرار دولتی است، ممکن گرداند.

۴- ساختار مدیریت محلی و سازمان‌های غیردولتی محلی (CBOs)

به نظر می‌رسد هرچه ساختار اداری و اجرایی کشور غیرمتمرکز و انتخابی‌تر باشد، بدنه آن برای تأثیرپذیری از جامعه و برانگیختن مشارکت مساعدتر می‌گردد. بسیاری از مسائل اجتماعی ذاتاً خصلتی محلی و گروهی دارند و در قالب تصمیم‌گیری‌های کلان یا سازماندهی‌های گسترده نمی‌گنجند. ساختارهای متمرکز نیز یافتن راه‌حل برای این دسته از مسائل را دشوار می‌کنند. تقویت مدیریت‌های محلی و شهرداری‌ها در ایران با موانع و دشواری‌های خاصی مواجه است که نبود مدیریت واحد و یکپارچه بر امور شهری مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود (مصاحبه با نمایندگان شوراهای شهرها در ویژه‌نامه شورای شهر ۱۳۷۹). این امر از توجه مردم به شورای شهر به عنوان نهادی پاسخگو یا مدافع می‌کاهد. با توجه به ضعف ساختار محلی، عرصه محدودی نیز برای گسترش فعالیت سازمان‌های غیردولتی محلی وجود دارد. تلاش برای شکل‌گیری و تقویت شوراهای محله‌ها (انجمن‌های شوراییار) که اولین گام‌های تشکیل آن در سال ۱۳۷۹ در برخی از محله‌های تهران برداشته شد (انتخابات شوراییاری، ۱۳۷۹)، می‌تواند هدف اصلی فعالیت‌های محلی باشد. گرچه این نهاد وابسته به شورای شهر و بخشی از ساختار مدیریت شهری خواهد بود و پیش‌بینی‌های انجام شده برای استقلال آن از شورای شهر و تبدیل آن به نهادی کاملاً داوطلبانه و خودگردان در آینده نزدیک، هم بعید و هم غیرضروری به نظر می‌رسد اما به هر حال محتمل‌ترین شکل مشارکت محلی سازمان یافته در شرایط کنونی است. تجربه شکل‌گیری سازمان‌های متکی

بر اجتماعات در کشورهای دیگر نیز حاکی از تأخر شکل‌گیری این سازمان‌ها نسبت به سازمان‌های غیردولتی فرامحلی است، ضمن آنکه سازمان‌های غیردولتی فرامحلی نقش عمده‌ای در حمایت و هدایت سازمان‌های محلی دارند. خانم پروتوشومان، که یکی از فعالان سازمان‌های غیردولتی در هند است، عملکرد این سازمان‌ها را در شهرهای کوچک که مدیریت محلی به مردم نزدیک‌تر است موفق‌تر می‌داند و به وجود سازمان‌هایی چون اسپاک که نقش حمایت از سازمان‌های محلی و وساطت در تعامل و گفت‌وگوی آنها با شهرداری‌ها را دارد، اشاره می‌کند. در ژوهانسبورگ، سازمان‌های محلی در واقع حکم نوعی سازماندهی مقطعی را دارند که برای حل مشکلات خاص و موضعی تشکیل می‌شوند و با کمک سازمان‌های غیردولتی به اهداف خود دست می‌یابند (ماتاتوا ۱۳۸۰). در سال‌های اخیر در ایران نیز گاه فعالیت‌های اعتراضی در محله‌های کم‌درآمد و حاشیه‌ای شهرها به سازماندهی موقت ساکنان منجر شده است، اما خصلت رادیکال و موقتی بودن این نوع سازماندهی مغایر با توان چانه‌زنی مستمر و درازمدت است (آنچه انتظار می‌رود انجمن‌های شوراییار به آن تحقق یخشند). شاید مهم‌ترین چالشی که در مقابل این انجمن‌ها وجود دارد آن است که از طیف فعالان محله‌ها، از افراد معتمد و نزدیک به مراکز قدرت محلی گرفته تا نیروهای خواهان تغییرات سریع‌تر، کدام‌یک قالب این انجمن‌ها را برای تحقق خواسته‌های خود مناسب بدانند.



منابع

- ۱- آن‌علی، نادیا، سخنرانی در کنگره سازمان‌های غیردولتی در ایران، ۹-۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، تهران.
- ۲- بیت، آصف و سیاست‌های تئولیرال و نقش سازمان‌های غیردولتی: نگاهی به تجربه خاورمیانه، گفتگو، شماره ۲۸، تهران ۱۳۷۹.
- ۳- ستاد شوراییاری شورای اسلامی شهر تهران، روند و نتایج انتخابات انجمن‌های شوراییاری در سال ۱۳۷۹، شورای اسلامی شهر تهران.
- ۴- ویژه‌نامه شورای شهر: توانایی‌ها و تنگناها، ضمیمه مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۵، تهران، ۱۳۷۹.
- ۵- ماتاتوا، سخنرانی در کنگره سازمان‌های غیردولتی در ایران، ۹-۸ اردیبهشت، ۱۳۸۵، تهران.
- ۶- محسنی، منوچهر، بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران، فصل‌چهارم مشارکت اجتماعی معاونت پژوهشی وزارت ارشد، تهران، ۱۳۷۴.

7-Namazi, Baquer (2000), *Iranian NGOs: Situation Analysis*, UNDP, Tehran.

8-Zaidi, Akber, (2000), *Transforming Urban*

Settlements: The Orangi Pilot Project's Low-cost Sanitation Model, City Press, Karachi.